

اخلاق در لغت، جمع خُلُق و به معنای خوی‌ها و خصلت‌ها است. خوی به خصلت‌های ثابت و استوار در درون انسان‌ها گفته می‌شود که رفتار انسان‌ها براساس آن‌ها شکل می‌گیرد؛ علم اخلاق هم از روش‌های آراسته‌شدن به خصلت‌های نیک خوب و دوری از خوی‌ها و صفات ناشایست سخن می‌گوید و هم از رفتار آدمی بحث می‌کند.

استاد مطهری می‌نویسد: علم اخلاق عبارت است از علم زیستن، یا علم چگونه باید زیست.

پیامبران الهی برای پی ریزی اساس مکارم اخلاق، تزکیه نفوس و تربیت انسان‌های با فضیلت، به سوی بشر فرستاده شدند و در طول قرن‌های متمادی، یکی پس از دیگری، در تحکیم و گسترش مبانی اخلاقی کوشیدند، شاگردانی را پرورش دادند و در سایه مبارزات و پایمردیهای خویش نتایج درخشانی به دست آوردند. قرآن مجید درباره فلسفه بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

(هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ):

اوست خدایی که از میان مردم بی کتاب پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

دستیابی به ایمان کامل - از دیدگاه اسلام - در سایه اخلاق میسر است، همچنان که رسول خدا (ص) فرمودند: الخُلُقُ وَعَاءُ الدِّينِ: «اخلاق ظرف دین است.» یعنی دین در ظرف اخلاق پدید می‌آید، رشد می‌کند و باقی می‌ماند. راستی چه روایت مهمی است و چه واقعیت عظیم و حقیقت بسیار باارزشی است، اخلاق ظرف دین است؛ یعنی: کسی که آراسته به حسنات اخلاقی نباشد نمی‌تواند دیندار باشد؛ زیرا خورشید دین از وجود کسی که فاقد حسنات اخلاقی است طلوع نمی‌کند. دین آنجا قرار می‌گیرد که حسنات اخلاقی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر حسنات اخلاقی و دین، لازم و ملزوم یکدیگرند.

این امر ضرورت اخلاق را به صورت عامّ برای همه و به صورت خاصّ برای نیروهای حراستی اثبات می‌کند. بر این اساس، نیروهای حراستی لازم است ضرورت‌های اخلاقی مربوط به کار خود را فراگرفته، از آن پاسداری کنند و ایمان مذهبی و الهی خود را تقویت کرده، تداوم بخشند تا به خواست خدا در فراز و نشیب‌های کار حراستی نلغزند.

منظور از اخلاق حراستی بعضی ضرورت‌های اخلاقی است که کارکنان حراست و دست‌اندرکاران امور اطلاعاتی در جامعه اسلامی بیشتر از دیگران به آنها نیاز دارند، بگونه‌ای که بدون متخلق بودن به آنها ممکن است در آغاز کار، مؤمن باشند، لیکن آهسته آهسته، این ایمان تحلیل رفته و ناخود آگاه به سوی انواع رذایل اخلاقی سوق داده شوند. از جمله ضرورت‌های اخلاقی حراست می‌توان (خدا ترسی و فروتنی، راستگویی و وفاداری، امانتداری و حق‌گویی) را نام برد. بدیهی است که نیروهای حراستی باید همواره به چنین صفتها و صلاحیتهایی آراسته باشند و اگر فاقد یکی یا تعدادی از آنها هستند، در پی کسب آن برآیند، تا در انجام وظایف خطیر خود پر توانتر شده و کار برایشان آسانتر گردد.

دشمنان درونی انسان، دست کمی از دشمنان بیرونی و خارجی نداشته، بلکه بمراتب خطرناک‌تر از آنها هستند؛ از این رو، انسان عاقل می‌بایست همواره با تذکرات اخلاقی و مراقبت شدید از گفتار و کردار خود، مهار آنها را در دست بگیرد، تا مبادا در مقابل آنها مغلوب گردد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: (إِخْذِرُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تَحْذَرُونَ أَعْدَاءَكُمْ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَغْدَى لِلرِّجَالِ مِنْ اتِّبَاعِ أَهْوَائِهِمْ):

از هواهای (نفسانی) خود برحذر باشید، همان‌طور که از دشمنان خود برحذر هستید، چرا که چیزی برای مردم از پیروی هواهای خودشان دشمن‌تر نیست.

هرکدام از صفات زشت حاکم بر قلب انسان مانند تکبر، حسد، عجب، مقام پرستی، دنیا طلبی، پول دوستی، شهوت پرستی، شهرت طلبی و ... دشمن درونی او محسوب می‌شوند. امام صادق (ع) می‌فرماید: أَسْوَطُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ: الْحِرْصُ وَالْإِسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ. فَأَمَّا الْحِرْصُ فَإِنَّ آدَمَ حِينَ نَهَى عَنِ الشَّجَرَةِ حَمَلَهُ الْحِرْصُ

عَلَى أَنْ أَكَلَ مِنْهَا؛ وَأَمَّا الْإِسْتِكْبَارُ فَبَابِلَيْسُ حَيْثُ أَمَرَ بِالسُّجُودِ لِآدَمَ فَأَبَى؛ وَأَمَّا الْحَسَدُ فَأَبْنَا آدَمَ حَيْثُ قَتَلَ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ (۱).

ریشه‌های کفر سه چیز است: حرص و کبر و حسد؛

و اما حرص، آدم با این که از خوردن میوه‌ی درخت ممنوعه نهی شده بود ولی حرص او را به خوردن آن وادار کرد؛

و اما کبر، ابلیس با این که به سجده بر آدم دعوت شده بود ولی کبر باعث خودداری او از سجده شد؛

و اما حسد، قابیل به خاطر حسد خون برادرش هابیل را ریخت.

اگر آدم دچار حرص نبود یقیناً به آن درخت نزدیک نمی‌شد؛ و اگر ابلیس برخوردار از فروتنی بود بی تردید همراه فرشتگان به آدم سجده می‌کرد؛

و اگر قابیل آلوده به حسد نبود قطعاً برادرش را نمی‌کشت.

از این رو، انسان نباید در مقابل آنها ساده لوح باشد و خود را بیازد، بلکه حفظ هوشیاری و تذکرات اخلاقی، یاد خدا و مراقبه و محاسبه در مقابله با آنان نیروهای حراستی لازم است.

حفظ اسرار اجتماعی دیگران لازم می باشد، بویژه از ناحیه کسانی که زودتر و بیشتر از دیگران رازها در اختیارشان قرار می گیرد، مانند کسانی که در قسمت جذب و گزینش نهادها، ادارات و سایر مراکز هستند و نیز حراست ها درباره نیروهایی که می خواهند به کار بگیرند، اطلاعاتی کسب می کنند. بنابراین حفظ اسرار کارکنان در مسائل، فردی، اجتماعی، سیاسی و... و بیان نکردن نقطه ضعفهای آنها در این زمینه یکی از ویژگی های اصلی هر حراست باشد. افشای اینگونه رازها جایز نیست، ولی چنانچه اسرار اجتماعی و سیاسی افراد از قبیل اشاعه فحشا، تشکیل باندهای فساد و تباهی و این گونه کارهای خلاف باشد، نزد مسئولین امر جهت اتخاذ تصمیم و اقدامات لازم مانعی ندارد و چه بسا واجب و ضروری باشد. توجه به فواید رازداری، توجه به زیان و ضررهای افشای رازها، خودداری از بیان تمام دانسته ها، دخالت ندادن عواطف در مسأله اسرار، سکوت، کنترل احساسات از جمله راههای رازداری محسوب می شوند.

افراد حراستی بیش از دیگران در معرض خطر جاذبه های جنسی قرار می گیرند، زیرا که آگاه شدن از مشکلات کارکنان، دعوت نامحرم به حراست، ارشاد و راهنمایی در اتاق حراست می تواند زمینه را برای لغزشهایی از این قبیل فراهم سازد. در روایتی چنین می خوانیم:

روزی شیطان به حضرت موسی (ع) برخورد و گفت: هرگز با زن نامحرم در یک جای خلوت مباش که من سوّم شما خواهم بود و فریبتان خواهم داد. وجود این خطرات و تهدیدها، ایجاب می کند که پرسنل مزبور بکوشند تا از تسلط شیطان نفس بر روح خود، حتی برای چند لحظه نیز ممانعت نمایند، زیرا چه بسا لحظه ای غفلت، خسارتی جبران ناپذیر در پی داشته باشد. عوامل مختلفی مانند ایمان به خدا، ازدواج، اراده نیرومند، یاد مرگ و ورزش در مهار شهوت و کاهش غلیان آن مؤثر هستند.

هر گناهی زشت است، ولی پاره ای از گناهان چون زمینه را برای ارتکاب گناهان دیگر فراهم می کنند، زشت تر هستند. دروغ، چنین خصوصیتی دارد. از این رو، امام عسکری (ع) آن را کلید خانه ای می داند که همه آلودگیها در آن انباشته شده است:

(جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكُذْبُ) : همه پلیدیها در خانه ای قرار گرفت و دروغ، کلید آن خانه شد.

مردی حضور رسول خدا(ص) رسید و عرض کرد: من به چهار عمل ناپسند مبتلا هستم و مایلیم یکی از آنها را به احترام شما ترک کنم. آن چهار عمل عبارتند از: زنا، شراب خواری، دزدی و دروغ. حضرت فرمود: دروغ را ترک کن! او پذیرفت و تعهد کرد که دیگر دروغ نگوید و رفت. هنگامی که خواست زنا کند، با خود اندیشید، اگر پیامبر از من بپرسد چه کرده ای؟ یا باید راست بگویم، در این صورت حدّ زنا بر من جاری خواهد شد یا باید انکار کنم و دروغ بگویم و این خلاف پیمانی است که با پیامبر(ص) بسته ام. از این رو از انجام این گناه منصرف شد. دیگر اعمال زشت را نیز با همین اندیشه ترک کرد و وقتی خدمت پیامبر خدا(ص) رسید، عرض کرد: شما با یک دستور همه راههای خلاف را به روی من بستید و من ناچار شدم، همه آن گناهان را ترک کنم.

از خصلتهای ناپسندی که ممکن است گریبانگیر نیروهای حراستی شود، دلسردی و کاهلی در کار است. این حالت، بیماری و برای تشکیلات یک آفت محسوب می شود که باید مورد پیشگیری و درمان قرار گیرد.

برای درمان و پیشگیری میکروب دلسردی و عمل زدگی باید اقدام جدّی کرد تا از ریشه بخشکد و نشاط و تحرک جای آن را بگیرد، از جمله: همواره از خدا بخواهد که هیچ گاه او را به کسالت و بی حالی در کارهای دنیا و آخرت گرفتار نسازد و نشاط و شادابی بدو ببخشد، همان گونه که رسول خدا(ص) در دعا عرض می کرد: (... اُمْنُنْ عَلَيْنَا بِالنَّشَاطِ وَأَعِزَّنَا مِنَ الْفَسَلِ وَالْكَسَلِ) [پروردگارا] با نشاط بر ما منت بگذار و ما را از ضعف و سستی دور دار. با ورزش، تفریحات سالم، مسافرتهای سیاحتی و زیارتی، خستگی مفرط را از تن به در کند.

با برنامه ریزی و تنوع و ابتکار و خلاّقت در کارها، محیط کاری خود را از یکسانی و خمودی خارج سازد.

در صورت امکان جابجایی و ضربه نخوردن به کارها، محل خدمت خویش را عوض کند.

سخن آخر

برای حاکمیت اخلاق نیکو در جامعه حراست می توان با الهام از روش قرآن و تربیت دینی، رشد ایمان و اعتقاد به خدا جلوی پیدایش رذایل اخلاقی را گرفت و به عبارت دیگر، روش قرآن بهداشت و پیشگیری روحی و اخلاقی است، نه آنکه اجازه دهد بیماریهای اخلاقی پدید آید و به درمان آن بپردازد، البته اسلام برای زشتیهای اخلاقی راه درمان را نیز نشان داده است؛ اما در آغاز اقدام به جلوگیری از پیدایش و رشد ناهنجاریهای اخلاقی می کند و همواره پیشگیری آسان تر و بهتر از درمان بیماری است.

با تشکر - جبار اعتمادی فر